

ده گزارش / گفت و گوی خواندنی



از درس دادن به بچه‌ها سخن می‌گفت و وقتی به او گفتم نمی‌خواهی از اینجا بروی؟ گفت که نه. از عشق او و حرارتی که در سخن گفتن از دوازده دانش‌آموز داشت، به شعف آمده بودم. با خودم فکر می‌کردم که نمونه‌های گویای فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد با توسعه فناوری اطلاعات، می‌توان به ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی برای افراد در نقاط پراکنده جامعه، کمک کرد و امکانات

آموزشی راه، که بیشتر در مناطق شهری وجود دارد، به اقصی نقاط جامعه برد. تجربه کشورهایمانند دانمارک، که در آن جزایر دورافتاده از مراکز شهری وجود دارد، بیانگر این مطلب است که می‌توان فرصت‌های آموزشی یکسان را افزایش داد و از فناوری اطلاعات برای توسعه فرصت‌های برابر آموزشی بهره برد.

چه‌قدر دوست دارم که محمد عظیمی هم با آن همه شور و شوق یاد دادن که داشت و تاکنون نتوانسته بود در دوره‌های آموزش ضمن خدمت شرکت کند، روزی بتواند در سایه توسعه فناوری اطلاعات، در هندورابی بنشیند و با شاگردانش از همان امکانات آموزشی برخوردار شود که دانش‌آموزان مدارس خوب تهران از آن برخوردارند.

۱. این مجتمع نابینایان دیدنی است (گزارشی از مجتمع نابینایان ابابصیر اصفهان)، شیبا ملک، سال ۱۳۸۵ - ۱۳۸۴ شماره ۵

فتوشاپ؟ طراحی پوستر و بروشور؟ ساخت نرم‌افزار؟ آن هم با چشمانی نیمه بینا؟ محمود به سرعت با دکمه‌های صفحه کلید کار و صفحات را جابه‌جا می‌کند. اعتماد به نفس او و لذتی که از ارائه توانمندی‌هایش می‌برد، شاید کمتر برای افراد بینایی که از حداقل توانایی‌های خود نیز استفاده نمی‌کنند، قابل درک باشد!



هیچ وقت نمی‌توانستم در ذهنم، شغلی به‌جز پاسخگویی تلفن و کارهایی شبیه به آن را که با متن و نوشته سر و کار ندارند، برای نابینایان تصور کنم. باز دید از مجتمع ابابصیر این تصویر نادرست را در هم شکست. در اینجا مردان و زنانی دلسوز و باهمت، کمر خدمت به فرزندان نابینای این مرز و بوم بسته‌اند، به آن‌ها کمک می‌کنند تا در عرصه‌هایی نو و با امکاناتی پیشرفته، توانمندی‌های پنهان خویش را به منصه ظهور برسانند.

۲. معلم روستا در فضای سایبر (گزارش و گفت‌وگو با عادل دریا)، محمد عطاران، سال ۱۳۸۶ - ۱۳۸۵ شماره ۷

محمد رضا می‌گفت که در هندورابی تلفن ندارند و تنها یک نفر تلفن همراه دارد او هم اغلب روی قایق و در دریاست. محمد رضا با عشق و علاقه

۳. پا به پای بچه‌ها رشد می‌کنیم (گزارش از دبیرستان علامه حلی همدان)، نصرالله دادار، سال ۱۳۸۹ - ۱۳۸۸ شماره ۸ مجتهدی در ادامه به یک طرح آموزشی دیگر



گنجانده شده‌اند و ظاهراً ربطی به هم ندارند. دانش‌آموزان در درس دینی با منابع معرفت، ویژگی‌های آن‌ها و محدودیت‌های هر یک آشنا می‌شوند. در درس زیست‌شناسی مفاهیم اصلی نظریه سیستم‌ها، سیستم‌های پیچیده، ارتباط زیر سیستم‌ها باهم و... را فرا می‌گیرند. در درس پویا نیز قرار است مهارت‌هایی مثل تفکر، گفت‌وگو، نقد کردن و... را کسب کنند اما این سه درس

به‌ظاهر نامربوط را وقتی با نخ و سوزن خلاقیت و ابتکار به هم بدوزی، می‌توانی آزمونی طراحی کنی که بچه‌ها برای موفقیت در آن، نیازمند استفاده از مهارت‌هایی باشند که در هر سه کلاس آموخته‌اند: «آزمون دوزش»!

حال اگر این آزمون برای کودکان نسل صفر و یک، به شکل یک بازی رایانه‌ای جذاب طراحی شود، می‌توان تصور کرد که آن‌ها دو روز و یک شب در مدرسه مشغول آزمون - بازی باشند و خسته هم نشوند. هم بازی کنند، هم بیاموزند و هم خودشان را ارزیابی کنند.

۵. آیا رایانه ما را به مقصد می‌رساند؟
(گفت‌وگو با دکتر خسرو باقری)، دکتر محمد عطاران / شبیبا ملک، سال ۱۳۹۳ - شماره ۲



وقتی یادگیری امری قائم به فرد باشد، معلم در حاشیه است. در حالی که اگر تعامل باشد، معلم در حاشیه قرار نمی‌گیرد. معلم تعامل ایجاد می‌کند. معلم و شاگرد در حال داد و ستدند. البته نه برای همیشه، بلکه تا زمانی که دانش‌آموز بزرگ شود. تعلیم و تربیت رسمی در همین دوره تأثیر می‌کند؛ از کودکی تا بزرگی.

اگر رایانه با همه غنی بودنش، یادگیری را پررنگ کند اما در عین حال، به

به نام «هم‌آموزی هم‌سالان» اشاره می‌کند و می‌گوید: «شهر همدان در پنج‌ماه از سال با مشکل سرما روبه‌روست و مدارس مراسم صبحگاهی ندارند. در مدرسه ما، مراسم صبحگاه در سالن اجتماعات برگزار می‌شود. دانش‌آموزان روی صندلی می‌نشینند و برنامه صبحگاه اجرا می‌شود، ما نشستیم و فکر کردیم که برای مراسم صبحگاه، برنامه‌ای داشته باشیم که هم باعث نشاط دانش‌آموزان شود

و هم نتایج آموزشی خوبی داشته باشد و از این فرصت به نحو مطلوبی استفاده کنیم. این مطالعه و تفکر موجب شد که ما بتوانیم طرحی را در مراسم صبحگاه تحت عنوان «هم‌آموزی هم‌سالان» اجرا کنیم که کاری ابتکاری است.

در مراسم صبحگاه مدرسه ما، ابتدا دانش‌آموزان به مدت سه دقیقه قرائت قرآن را به صورت دسته‌جمعی اجرا می‌کنند. سپس به مدت ۸ دقیقه، با استفاده از تابلو اسمارت برد (صفحه هوشمند)، به هم‌سالان خود، مطالبی درباره پاورپوینت، اکسل، ورد، فلش، شطرنج ارائه می‌کنند که از تنوع بسیار خوبی برخوردار است.

جالب اینکه اکثر دانش‌آموزان بعد از حدود ۵۰ جلسه صبحگاهی، پاورپوینت، اکسل، ورد و فلش را یاد گرفته‌اند. دانش‌آموزان ما پس از این جلسات توانستند ۱۳۰ فایل پاورپوینت درست کنند و به ما تحویل دهند. یعنی دانش‌آموزانی که علاقه‌ای به حضور در جلسات صبحگاهی نداشتند، با این روش علاقه‌مند شدند و از مراسم استقبال کردند. قابل توجه است که قبل از اجرای این برنامه صبحگاهی، خانواده‌ها نگران بودند که بچه‌ها دنبال بازی‌های رایانه‌ای بروند. ولی بعد از یک دوره ۴۵ روزه، بازی‌های رایانه‌ای جای خود را به تولید ۱۵۰ فایل آموزشی در زمینه علائق دانش‌آموزان (فیزیک، شیمی، ریاضی و امثال این‌ها) دادند.»

۴. پویا رویش دوزش
سیده فاطمه شبیری، سال ۱۳۹۳ - شماره ۲

دینی، زیست‌شناسی و پویا، عنوان‌های سه درسی است که در برنامه هفتگی دانش‌آموزان



تضعیف روزافزون معلم و تعامل منجر شود. این خطاست. ما تعلیم‌وتربیت را این‌طور تعریف می‌کنیم: «تعامل بین انسان‌هایی که عامل هستند، در ارتباط با دانشی که واقع‌گرایانه و سازه‌گرایانه است.» در این صورت نمی‌توانیم کاربرد رایانه را به سمتی سوق دهیم که از لحاظ تعلیم‌وتربیت اشکال دارد؛ یعنی معلم را حذف کنیم تا فقط یادگیری باشد. امکان تعامل با معلم را نباید کنار گذاشت.

۶. مردی که نمی‌خواست معلم شود / معلم سخاوتمند
(معلم پیشرو آقای مجید محسنی)،
علیرضا منسوب بصیری / شیبایا ملک، سال
۱۳۹۳ - ۱۳۹۲ شماره ۷

مجید محسنی، سال ۱۳۶۶ در رشته برق در «دانشگاه صنعتی شریف» قبول شد. از بچگی علاقه‌ای به معلمی نداشت؛ هم پدر و هم خواهرش معلم‌های خوب و دلسوزی بودند. او می‌دید که آن‌ها با چه زحمتی برای دانش‌آموزان کار می‌کنند اما دلیلش را نمی‌فهمید، از کودکی با خودش عهد بست که سراغ این شغل پرزحمت کم درآمد نرود. طبعش به نوآوری و پژوهش گرایش داشت، برای همین در اوایل دوران دانشجویی در «مؤسسه آموزشی و پژوهشی عترت» مشغول به کار شد و کارها و پروژه‌های علمی را انجام می‌داد، در آنجا برخی (تک‌توک) دانش‌آموزان ممتاز می‌آمدند تا کارهای فنی و پژوهشی‌شان را تکمیل کنند و او نیز به‌ناچار با آن‌ها سروکار پیدا کرد و میوه ممنوعه را خورد!

معلم‌های زیادی را دیده‌ام که کتاب‌های خود را به‌راحتی به دانش‌آموزان و یا همکارانشان امانت می‌دهند. معلم‌هایی را هم دیده‌ام که سخاوتمندانه طرح درس و یا حتی بانک سؤالاتشان را به دوستانشان ارائه می‌کنند. دامنه سخاوت این معلمان در نهایت چند دوست و همکار و چند مدرسه را در برمی‌گیرد. اما اگر معلمی فیلم‌های آموزشی را که خود تولید کرده است، نرم‌افزارهایی

که به کار می‌برد و دانش‌فناورانه خود را بی‌دریغ در اختیار همه معلمان قرار دهد، قطعاً می‌توان به احترامش کلاه از سر برداشت و به او گفت: «معلم بخشنده!»

۷. کلاس معکوس معلم زیست‌شناسی
فاطمه فضلعلی، سال ۱۳۹۴ - ۱۳۹۳ شماره



ما در طول دوره جلو می‌رویم. دانش‌آموزان بدون توجه به حرکت ما، با سرعت خود پیش می‌روند. بعضی از آن‌ها هنوز به فصل اول چسبیده بودند؛ درحالی‌که ما فصل‌های اول، دوم و سوم را امتحان می‌دادیم. البته آن‌ها می‌توانستند خودشان را دوباره نشان دهند و در امتحان دیگری شرکت کنند. دانش‌آموزان واقعاً می‌خواهند آنچه را می‌دانند و آنچه را نفهمیده‌اند، نشان دهند.

آن‌ها می‌توانند هر وقت که بخواهند فصل اول را امتحان بدهند. برای این کار فقط باید فرم درخواست را پر کنند و نشان دهند که کاری انجام داده‌اند (که ما آن را سند یادگیری می‌نامیم). به علاوه، باید در این زمینه با من گفت‌وگو کنند. در گذشته بچه‌ها با این ایده تعلیم می‌دیدند که فقط یک فرصت دارند تا آنچه را می‌دانند، روی کاغذ بیاورند. اما الان برخی از آن‌ها بعد از سه ماه که از امتحان می‌گذرد، می‌پرسند: «آیا واقعاً من می‌توانم دوباره امتحان دهم؟» و من در پاسخ می‌گویم: «بله، شما دوباره امتحان اول را بدهید.»

۸. مدرسه یادگیرنده
گزارشی از مدرسه سبز اردبیل، سیده
فاطمه شبیری، سال ۱۳۹۴ - ۱۳۹۳ شماره ۷
«مدرسه نخبگان اردبیل» برای خود سه مأموریت تعریف کرده است که یکی از آن‌ها «رشد شخصیت کارآفرین» است. به نظر می‌رسد تا حدودی هم در این مأموریت موفق بوده است، به گونه‌ای که اگر از دانش‌آموز مدرسه



نقض حق نشر است. براین اساس، با توجه به اجازه‌های که قانون به شما داده است می‌توانید در چارچوب همین حدود از مطالب دیگران در کلاس خود استفاده کنید. رعایت ملاحظات اخلاقی و توجه به شرایط سنی مخاطب نیز موضوع دیگری است که فارغ از مباحث حقوقی در هر حال باید رعایت شود.

بپرسید: «می‌خواهی چه کاره شوی؟» به جای آنکه بگوید: «می‌خواهم پزشک شوم»، پاسخ خواهد داد: «می‌خواهم بیمارستان بسازم» (حتی منطقه‌ای را که می‌خواهد در آن بیمارستان بسازد، مشخص می‌کند). همچنین به جای آنکه بگوید: «می‌خواهم معلم شوم»، می‌گوید: «می‌خواهم مدرسه بسازم.»



۱۰. تولد سبز

(گزارش از مدرسه سبز سوده)، زینب گلزاری، سال ۱۳۹۵ - ۱۳۹۴ شماره ۷

از مدرسه شروع کرده‌اند: «هر دانش‌آموز در روز تولدش یک درخت می‌کارد» کیک تولدش سیب است؛ صدها سیب قرمز و زرد و سبز با چینشی زیبا و شمع تولد. آموزش استفاده از تغذیه سالم. همه چیز همخوانی دارد و به دل می‌نشیند. فضای مدرسه دیگر پاسخگوی کاشت درخت نیست. از مدرسه خارج می‌شوند و درخت کاری گسترش پیدا می‌کند.



پروژه تولد سبز و کاشت درخت توسط هر دانش‌آموز در روز تولدش، فعالیتی دنباله‌دار است. هر دانش‌آموز یک کارنامه زیست‌محیطی دارد که فعالیت‌ها و تلاش‌های او برای حفظ محیط‌زیست، طی دوازده سال تحصیل در این مدرسه در آن ثبت می‌شود. هر دانش‌آموز تا پایان دوازده ساله دوره تحصیلی خود دوازده درخت کاشته است که برای آن‌ها پلاک ثبتی دارد. جای کاشت درختش را می‌داند و به مناسبت‌های مختلف با خانواده یا اولیای مدرسه به آن سر می‌زند و از بزرگ شدنش لذت می‌برد. خانم خدیوی داورادور مراقب سلامت رشد و پرورش درختان دانش‌آموزان است. او به همراه گیاه‌شناس، به درختان دانش‌آموزی خشک شود. و روحیه لطیف کودکی آسیب ببیند. این یکی از فعالیت‌ها پرونده زیست محیطی دانش‌آموز است. تجربه دانش‌آموزان در زمینه جمع‌آوری و تفکیک زباله‌ها، دفترچه‌های محیط‌یار و... ثبت و روی سی‌دی ذخیره می‌شود و هدیه ارزشمندی می‌شود برای جشن فارغ‌التحصیلی دانش‌آموزان مجتمع آموزشی سوده.

۹. حقوق در فضای مجازی

(پرسش و پاسخ‌های حقوقی درباره فضای مجازی از یک حقوقدان)، یونس دانش‌پژوه، سال ۱۳۹۵ - ۱۳۹۴ شماره ۶

پرسش: معلمی هستم که می‌خواهم از تصاویر موجود در اینترنت در کلاس درس خود استفاده کنم. آیا این کار تکثیر غیرقانونی محسوب می‌شود و صاحب اثر می‌تواند از من شکایت کند؟ پاسخ: اصولاً استفاده آموزشی از آثار دیگران - اعم از عکس، نقاشی، کتاب و... - نقض حق نشر (کپی رایت) محسوب نمی‌شود؛ چون هدف حقوق مالکیت فکری عبارت است از حمایت از علم و دانش. بنابراین، محدودیت‌های حق نشر نیز تا جایی است که به دستاوردهای علمی دیگران لطمه وارد نشود. اما در جایی که منافع مهم‌تر، از جمله آموزش، مطرح باشد. می‌توان با اجازه‌ای که خود قانون داده است، از دستاوردهای علمی دیگران استفاده آموزشی کرد. با این حال رعایت دو امر ضروری است:



۱. این استفاده برای مقاصد علمی و آموزشی باشد و نه تجاری؛
۲. تکثیر بیشتر از حد نیاز صورت نگیرد و به حقوق مادی صاحب اثر آسیب نرساند.

شروط مذکور به این معناست که نتیجه کار شما فقط باید در کلاس ارائه شود و مخاطب آن نیز صرفاً همان دانش‌آموزان کلاس شما باشند. بنابراین، اگر شما از مطالب مذکور جزوه‌ای تهیه کنید و آن را در معرض فروش قرار دهید، انتشار آن مطالب در قالب کتاب و سی‌دی و عرضه آن به خارج از کلاس نیز مصداق